

نقش حج در نگرش اقتصادی فرد مسلمان

سید صادق طباطبائی نژاد*

چکیده

حج جلوه‌ای با شکوه از وحدت و اجتماع مسلمانان است که آثار و منافع مادی و معنوی متعددی دارد. حج مظهر بندگی محض در برابر یکتای بی‌همتا، و یک‌رنگی و برادری میان مسلمانان است. در این مقاله برآنیم با استناد به بیانات قرآن کریم و ائمه معصومین علیهم‌السلام به گوشه‌ای از آثار اقتصادی حج پردازیم. در قسمت نخست به بشارت‌های مالی برای انجام دادن حج و عمره اشاره و آثار آن را بر زندگی شخصی حج‌گزار بررسی می‌کنیم. سپس رابطه شرط استطاعت و مناسک حج را با نوع زندگی اقتصادی فرد بازمینی کرده، در نهایت به ایجاد بازاری مشترک با توجه به اهداف تبعی و عرضی حج می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: آثار اقتصادی حج، بازار مشترک اسلامی، مال مباح، افزایش روزی، از بین رفتن فقر.

مقدمه

حج، عبادتی با آثار فردی و اجتماعی فراوان است که در شریعت اسلامی اهمیت بسزایی دارد و برای انجام دادن آن، جایگاه ویژه‌ای ترسیم شده است؛ کنگره عظیمی که با یک‌رنگی و دور شدن از وجوه تمایز، آغاز، و با فراخوان به برادری و برابری به پایان می‌رسد. از این رو جامعه آرمانی اسلامی بر پایه **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** (حجرات: ۱۰) شکل می‌گیرد و با کاهش تنش‌ها و پررنگ کردن نقاط مشترک، سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد؛ سرمایه‌ای که در ادبیات اقتصادی، یکی از شاخص‌های کیفی تأثیرگذار بر متغیرهای کلان اقتصادی شناخته می‌شود. کاهش هزینه‌های اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی با روحیه برادری تحقق می‌یابد. با حاکم

* پژوهشگر اقتصادی حوزه علمیه قم.

شدن این نگرش، جامعه با سرعت بیشتری به سوی رشد و توسعه همه‌جانبه گام برمی‌دارد. حج فرصتی مناسب برای گسترش روابط اقتصادی بین کشورهای اسلامی و به تبع آن شناخت مزیت‌ها و توانایی‌های تولیدی - بازرگانی، و شناخت راه‌های رسیدن به خودکفایی در عرصه‌های مختلف است. در این مقاله سعی داریم با بررسی ابعاد اقتصادی حج در زندگی فردی، راهکارهای مناسب برای استفاده بهینه از این ظرفیت ارزشمند و بی‌نظیر را مورد توجه قرار دهیم.

جایگاه اقتصادی حج در روایات

علم اقتصاد به دنبال یافتن راهکارهای مناسب برای تخصیص بهینه منابع محدود برای رفع نیازهای نامحدود بشری، و در نتیجه از بین بردن فقر و نابرابری است. از این رو، مکاتب اقتصادی با توجه به نگرش خود به جهان هستی، برنامه‌های متفاوتی را برای رسیدن به رفاه مادی و افزایش درآمد ملی ارائه می‌دهند. آنچه با نظر به جهان‌بینی اسلامی به دست می‌آید، تأثیرگذار بودن امور معنوی و غیرمادی در حل مشکلات اقتصادی به خصوص رفع فقر و افزایش درآمد فردی و ملی است. از این روست که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالْأَنْزِيلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾ (مائده: ۶۶).

«و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنها نازل شده (قرآن) برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد.»

آیه بر این اصل اساسی تأکید می‌کند که پیروی از تعلیمات آسمانی انبیا تنها برای سر و سامان دادن به زندگی پس از مرگ نیست؛ بلکه بازتابی گسترده در زندگی مادی انسان‌ها نیز دارد. جمعیت‌ها را قوی، صفوف را فشرده، نیروها را متراکم، نعمت‌ها را فراوان، امکانات را وسیع و زندگی را مرفه و امن می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۴۵۵).

حج نیز که تجلی بندگی و جدا شدن از تعلقات دنیوی است، سهم بسزایی در رفاه و توسعه اقتصادی دارد و از این رو انجام دادن آن برای استواری و سامان بخشیدن به زندگی آدمیان مورد التفات جدی خداوند متعال است، تا آنجا که کعبه را قوام‌بخش جامعه انسانی قرار داده و فرموده است: ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾؛ «خداوند، کعبه، بیت الحرام، را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داد.» (مائده: ۹۷).

عیاشی ذیل این آیه از امام صادق علیه السلام نقل می کند که خداوند این خانه را برای دین و دنیای مردم قرار داده است (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۳۴۶). علی بن ابراهیم نیز در تفسیر خود ذیل این آیه، روایتی را به این مضمون نقل می کند که اگر حج ترک شود، مردم هلاک می شوند (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۱۸۸). از این رو، در صورتی که مردم از حج روی گردان شدند و به حج نرفتند، بر حاکم است تا گروهی را برای انجام دادن فریضه حج به مکه بفرستد:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكُوا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ، وَلَوْ تَرَكُوا زِيَارَةَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَلَى الْمَقَامِ عِنْدَهُ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَمْوَالٌ أَنْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ»
(عاملی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۱، ص ۲۴).

بیاناتی رسا از حضرات معصوم علیهم السلام وارد شده تا مسلمانان به حج و استفاده از برکات معنوی آن ترغیب شوند. در برخی از این روایات به آثار و فواید اقتصادی حج نیز اشاره شده است تا شاید بهانه‌ای باشد برای هدایت و سعادت انسان‌های سوداگری که در مراتب ابتدایی اند و همه چیز را با میزان ثروت مادی می‌سنجند و هنوز به این درجه نرسیده‌اند که دنیا و مواهبش را وسیله‌ای برای رسیدن به بقا و قرب بخواهند، نه اینکه عبادت و انجام دادن فرایض را ابزاری برای رسیدن به مال و مقام بدانند.

آثار و منافی که خداوند متعال برای حج قرار داده، خود سرآغاز این سفر روحانی پر رمز و راز است:

«و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ بر آور تا [زائران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری - که از هر راه دوری می‌آیند - به سوی تو روی آورند، تا شاهد منافع خویش باشند، و نام خدا را در روزهای معلومی بر دامهای زبان‌بسته‌ای که روزی آنان کرده است ببرند. پس، از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید.»^۱ (حج: ۲۷ و ۲۸).
مفسران ذیل کلمه «منافع» بسیار سخن گفته‌اند، ولی کاملاً روشن است که هیچ‌گونه محدودیتی در این لفظ نیست و بیان آن به صورت نکره و بدون هیچ قیدی، در بر گیرنده تمام منافع و برکات معنوی و مادی و فواید فردی و اجتماعی است.

۱. ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان در تفسیر این کلمه فرمودند: «منافع»، فواید دنیا و آخرت، هر دو را شامل می‌شود.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۲۲).

نخستین و مهم‌ترین هدف هر مکتب اقتصادی را می‌توان رفع تنگدستی، افزایش قدرت مالی و رفاه افراد قلمداد کرد. در بیانات معصومین علیهم السلام به ثمرات مادی حج اشاره شده است:

«حج، فقر و نداری را از بین می‌برد.»^۱ (محمدری شهری، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۵۳۵).

«در انجام دادن حج و عمره استمرار داشته باشید؛ چرا که این دو فقر و گناه را از بین می‌برند؛ همان‌گونه که دم آهنگر، ناخالصی آهن را از بین می‌برد.»^۲ (عاملی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۱، ص ۱۲۳).

«حج گزار هیچ گاه فقیر و بی‌چیز نمی‌شود.»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۱۲).

«امری سریعتر در بی‌نیازی و از بین برنده فقر، جز پیوسته و مداوم انجام دادن حج این خانه سراغ ندارم.»^۴ (محمد ری شهری، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۵۳۵).

کسی که سه حج انجام دهد، هیچ‌گاه فقیر نمی‌شود.^۵ (عاملی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۱، ص ۱۲۹).

از این بیانات، تضاد بین حج و عمره با فقر روشن می‌گردد، تا آنجا که اگر حج جزء زندگی فرد درآید، فقر و فاقات از زندگی او رخت می‌بندد و دیگر به تنگدستی مبتلا نمی‌شود. این سفر روحانی و معنوی بر خلاف تفکر مادی، اگرچه نیازمند صرف هزینه‌های گوناگون است، در کنار خود منفعی خاص دارد که می‌تواند به عنوان ابزاری برای حل مشکل فقر قرار گیرد و استمرار در انجام دادن آن سریع‌ترین راه برای رسیدن به بی‌نیازی و غنا، و دور کننده فقر شمرده می‌شود.

از منافع اقتصادی دیگر مورد اشاره در بیانات معصومین علیهم السلام، اضافه بر از بین بردن فقر، افزایش روزی و توسعه اقتصادی است که در پرتو حج نصیب جامعه و اشخاص می‌گردد. در ادامه به برخی از این ابهامات اشاره می‌شود:

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْحُجُّ يَنْفِي الْفَقْرَ».
۲. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تَابِعُوا بَيْنَ الْحُجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الدُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ».
۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْحَاجُّ لَا يُمَلِّقُ أَبَدًا».
۴. وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا أَسْرَعَ غِنًى وَلَا أَنْفَى لِلْفَقْرِ مِنْ إِدْمَانِ حَجِّ هَذَا الْبَيْتِ».
۵. وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «مَنْ حَجَّ ثَلَاثَ حَجَجٍ لَمْ يُصِبْهُ فَقْرٌ أَبَدًا».

«پیامبر گرامی اسلام در ضمن خطبه غدیر فرمودند: «ای مردم، حج انجام دهید؛ چرا که هیچ خانواده‌ای نیست که حج انجام دهد، مگر اینکه بی‌نیاز گردد، و هیچ گروهی نیست که آن را ترک کند، مگر اینکه نیازمند گردد.»^۱ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۴۴).

«حج به جا آورید تا بی‌نیاز شوید.»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۱۱).
«حج و عمره به جا آورید تا اجسامتان سالم بماند و روزی‌تان افزایش یابد و ایمانتان صحیح گردد و هزینه‌های مردمان و خانواده خودتان را برطرف سازید.»^۳ (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۵۳۴).

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام پرسید: «من خودم را عادت داده‌ام بر حج در هر سال که یا خودم و یا فردی از خانواده‌ام با مال من آن را به جا آورد. حضرت فرمودند: آیا قصد جدی کردی؟ گفتم: بله، امام علیه السلام فرمودند: اگر این کار را انجام دادی، پس یقین داشته باش که مال تو زیاد می‌شود.»^۴ (همان، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۵۳۵).

«اگر می‌خواهی مالت زیاد شود، پس وقوف بر صفا را زیاد کن (کنایه از زیاد انجام دادن حج).»^۵ (همو، ۱۳۸۶ش، ص ۴۱۴).

از این روایات، روشن می‌شود منافع حج فراتر از زایل شدن تنگدستی است؛ یعنی حج گزار را به مرتبه بی‌نیازی از غیر و گشایش و توسعه در روزی می‌رساند و در مرتبه بالاتر، موجب افزایش مال او می‌شود و بدین گونه صورتی از ثمرات و فوایدی که رب‌البیت برای حج گزاران قرار داده است، نمایان می‌شود.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَغْدِيرِ خُمٍّ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ: «مَعَاشِرَ النَّاسِ... حُجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَعْنُوا وَلَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا».

۲. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَحُجُّوا تَسْتَعْنُوا».

۳. «قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَام حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَجْسَامُكُمْ وَتَتَسَّعَ أَرْزَاقُكُمْ وَيَصْلُحَ إِيْمَانُكُمْ وَتُكْفَمُوا مَثْوَنَةُ النَّاسِ وَ مَثْوَنَةُ عِيَالِكُمْ».

۴. «وَقَالَ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام إِنِّي قَدْ وَطَّئْتُ نَفْسِي عَلَى لُزُومِ الْحَجِّ كُلِّ عَامٍ بِنَفْسِي أَوْ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي بِهَالِي فَقَالَ وَقَدْ عَزَمْتُ عَلَى ذَلِكَ قُلْتُ نَعَمْ قَدْ عَزَمْتُ عَلَى ذَلِكَ فَقَالَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَأَيُّنَ بَكْتَرَةَ الْمَالِ أَوْ أَبْشَرَ بَكْتَرَةَ الْمَالِ».

۵. «وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يَكْثَرَ مَالُكَ فَأَكْثِرِ الْوُقُوفَ عَلَى الصَّفَا».

با توجه به این بیانات، می‌توان حج را از مبادی و اسباب عبادی رسیدن به پیشرفت و توسعه اقتصادی دانست.

حج، عبادتی است دارای جهاتی متمایز که در کنار پرورش روح معنوی به جنبه‌های زندگی مادی نیز توجه ویژه‌ای دارد و با بشارت‌های مادی، افراد را برای رشد و تکامل به سوی میعادگاه ملائک دعوت می‌کند؛ چنان‌که در سوره قریش بندگانش را با یادآوری نعمت امنیت و سیر بودن، به خداپرستی دعوت می‌کند:

«پس پرستش کنند خدای را که پروردگار این خانه است؛ خداوندی که طعام داده است آنها را از گرسنگی، و امن داده است از خوف.»^۱ (قریش: ۳ و ۴)

آثار اقتصادی استطاعت

انجام دادن حج و عمره برای مسلمانان دارای اهمیت فراوانی است. از این رو، در برخی از کشورهای اسلامی والدین از همان هنگام ولادت فرزندان خود، حسابی را برای تشریف به حج در بانک‌های عامل باز می‌کنند. شارع مقدس، یک بار انجام دادن حج را آن هم به شرط استطاعت، برای مسلمانان واجب قرار داده است و چنانچه این شرط موجود نباشد، در صورت رفتن به حج باید آن را به نیت مستحبی به‌جا آورد؛ مگر در حج بذلی که فرد دیگری هزینه‌های حج و خانواده فرد را متحمل می‌شود تا وی حج گزارد که در این حال از حجة الاسلام مجزی است.

بنا بر فتوای فقها یکی از شرایط وجوب حج، داشتن استطاعت اقتصادی، جسمانی و طریقی است که ما، متناسب با بحث خود، به استطاعت مالی و اقتصادی اشاره می‌کنیم.

مراد از استطاعت این است که فرد، علاوه بر دارا بودن هزینه‌های سفر، ضروریات زندگی و آنچه را برای گذراندن زندگی به آن نیاز دارد، در حدی که مناسب شأن فرد است، داشته باشد. خانواده او نیز در مدتی که او در سفر است، هزینه‌های لازم عرفی مورد نیاز خود را دارا باشند. همچنین مال یا شغلی داشته باشد تا بعد از بازگشت از حج، بتواند زندگی خود را بگذراند (افتخاری، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۴۵ - ۴۰).

۱. ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾.

از امام صادق علیه السلام درباره استطاعت و معنای آیه **﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾** (آل عمران: ۹۷)، سؤال شد که امام در پاسخ فرمودند:

«مردم چه می گویند؟ جواب دادند: توشه سفر. پس امام از پدرشان نقل کردند که فرمودند: پس مردم هلاک شدند؛ چرا که اگر کسی جز توشه سفر نداشت و به سفر رفت در حالی که برای خانواده اش قوتی نگذاشت، پس به تحقیق با این فتوا هلاک شدند. پس فرمودند: استطاعت یعنی توشه سفر و آنچه خانواده اش را کفایت کند، داشته باشد؛ به اضافه امنیت راه. مگر نه این است که خداوند زکات را بر آنکه دویست درهم دارد، واجب قرار داده است.»^۱ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۲۱).

از عبارت بالا روشن می شود که خداوند متعال با وجود فرمان به حج، راضی نیست مردم برای انجام این واجب در عُسْر و حرج بیفتند. از این رو، مقرر کرد: وقتی فرد در زندگی اقتصادی خود استقرار یافت و توانست وسایل مورد نیاز معاش خود و خانواده اش را به مقدار کفاف تهیه کند و در حالت مطلوب، با توجه به جایگاه اجتماعی خود، قرار گرفت، عازم حریم الهی شود و از فیض ها و ره آوردهای معنوی آن سرزمین بهر مند شود. دارا بودن مخارج و هزینه های سفر، به گونه ای که حج گزار محتاج دیگران نباشد و بار سفر را بر دوش دیگران نیندازد، یکی از مؤلفه های استطاعت مورد اهتمام شارع است. از این رو، خداوند در قرآن می فرماید: **﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾** (بقره: ۱۹۷).

بسیاری از مفسران گفته اند که این آیه، به گروهی (گروهی از مردم یمن) اشاره می کند که وقتی برای زیارت خانه خدا حرکت می کردند، هیچ گونه زاد و توشه ای با خود بر نمی داشتند و حتی اگر زاد و توشه ای با خود داشتند، هنگام احرام دور می ریختند

۱. «مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ الزَّادُ وَالرَّاحِلَةُ، فَقَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَدْ سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: هَلَكَ النَّاسُ إِذَا، لَئِنْ كَانَ مَنْ لَيْسَ لَهُ غَيْرُ زَادٍ وَرَاحِلَةٍ، وَ لَيْسَ لِعِيَالِهِ قُوَّةٌ غَيْرُ ذَلِكَ يَنْطَلِقُ بِهِ وَيَدْعُهُمْ لَقَدْ هَلَكُوا إِذَا، قِيلَ لَهُ: فَمَا الْإِسْطِطَاعَةُ؟ قَالَ: اسْتَطَاعَةُ السَّفَرِ، وَ الْكِفَايَةُ مِنَ النَّفَقَةِ فِيهِ، وَ وُجُودُ مَا يَقُوتُ الْعِيَالَ، وَ الْأَمْنُ، أَلَيْسَ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ فَلَمْ يَجْعَلْهَا إِلَّا عَلَى مَنْ لَهُ مَائَتًا دِرْهَمًا».

و می گفتند: ما به زیارت خانه خدا می رویم. چگونه ممکن است به ما غذا ندهد (و گاه به همین دلیل خود را به زحمت می افکندند یا به درخواست از این و آن دچار می شدند).
قرآن کریم این تفکر غلط را نفی می کند و می گوید: «و برای خود توشه بگیرید...» ولی در عین حال آنها را به مسئله معنوی مهم تری ارشاد نموده، می فرماید: ماورای این زاد و توشه، زاد و توشه دیگری است که باید برای سفر آخرت فراهم گردد و آن پرهیزگاری و تقواست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۵۵).

از آنجا که قدرت مالی به منظور انجام دادن این سفر روح انگیز (حج و عمره) برای غالب افراد، نیازمند پس انداز وجوه خرد یا سرمایه گذاری است، پس می توان تأثیر غیر مستقیم این سفر را در اقتصاد ملی کشورها مشاهده کرد.^۱ از سوی دیگر پاک و طیب بودن هزینه های سفر، خود زمینه ساز ایجاد اقتصادی پاک و سالم برای جامعه است که در سایه آن، ظرفیت ها و منابع به صورت صحیح و کارا در بخش های مورد نیاز جامعه استفاده می شود و با گسترش این روحیه، فعالیت های غیر شرعی و مضر از جامعه رخت می بندد و توسعه همه جانبه پایه ریزی می گردد.

با توجه به اهمیت و جایگاه حج و بیان بشارت های معنوی و مادی برای حج گزار، افراد به مناسک رغبت می یابند و برای استفاده از این منافع، خود را مهیای سفر می کنند. در برخی از روایات با اشاره به وسعت روزی و از بین رفتن فقر برای حج گزار، روحیه سوداگری افراد برانگیخته می شود. از طرفی هزینه های مربوط به این سفر روحانی، افراد را برای بهرمندی از این بشارت ها به تلاش و تکاپو وامی دارد که این خود موجب افزایش اشتغال و برنامه ریزی بهینه برای افزایش تولید را در پی دارد و در نتیجه، موجب افزایش درآمد افراد می شود که این به شکوفایی اقتصادی جامعه کمک می کند.

۱. در نام نویسی عمره ۹۰ نزدیک به چهار هزار میلیارد از نقدینگی جامعه جذب بانک ها شد که با این سرمایه عظیم مادی و خلق پول ناشی از آن می توان افزون بر، برگزاری عالی مراسم حج، ضمن کنترل تورم، مشکلات سرمایه ای بنگاه ها و افراد را - با توجه به اینکه این سپرده گذاری عام باشد و به صورت وکالت عام در اختیار دولت قرار گیرد - حل کرد و از ثمرات این فریضه بر اقتصاد ملی، بهره برد.

آثار اقتصادی مناسک حج

از کارآمدترین ایده‌های اسلام، آمیختن ارزش‌های اخلاقی با اقتصاد به هدف تأمین رفاه مادی و سعادت ابدی انسان‌هاست. در نظام ارزش‌گذاری اسلام، باورها و رفتارهای ارزشی و ضد ارزشی، بر رشد و رکود اقتصادی تأثیر دارد؛ به‌خلاف نظریه غالب در عصر حاضر که «جدایی اخلاق از اقتصاد» است. در اقتصاد اثباتی که بر مبنای ریاضی و تعریف مکانیکی از انسان شکل گرفته است، برای ارزش‌های اخلاقی جایگاهی در نگرش اقتصادی جامعه در نظر گرفته نمی‌شود.

هدف ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی در گام نخست، بازسازی و تکامل روحی انسان و تهذیب نفس اوست. با این حال، ارزش‌های مبتنی بر جهان‌بینی دینی، در کنار عناصر مادی همچون سرمایه، فناوری و نیروی کار ماهر، تأثیر تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع دارد.

اولین بخش از مناسک حج که به گونه‌ای با اقتصاد پیوند می‌خورد و ارزش‌های اخلاقی را در رفتار انسان نهادینه می‌کند، زمانی است که حج‌گزار قصد احرام کرده، جامه سفید احرام بر تن می‌کند؛ جامه‌ای پاک و طاهر، خالی از حقوق مالی خداوند متعال و مردمان؛ لباسی که از پول حاصل از فعالیت اقتصادی سالم، طیب و حلال تهیه شده است؛ آنجا که فرد برای خرید لباس احرام، اموال خود را محاسبه می‌کند و مراقب است تا از درآمد حرام و شبهه‌ناک تهیه نشده باشد.

او می‌آموزد با تنها حوله‌ای، خود را بپوشاند و شب و روز را سپری کند. بدین‌سان روحیه قناعت در وجودش رشد می‌کند و زیاده‌خواهی و مضرات آن از جامعه رخت می‌بندد. با فراگیر شدن این عقیده در جامعه، با ایجاد روحیه برادری و اعتماد، شاهد رونق گرفتن بازار خواهیم بود که زمینه‌ساز اقتصادی پویا، سالم و اسلامی است.

عمل دیگری که با فعالیت اقتصادی گره خورده، قربانی کردن است؛ آن هنگام که حج‌گزار به تبعیت از حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام در روز دهم ذی‌حجه، بعد از رمی جمره عقبه، حیوانی را به قصد قربت به عنوان یکی از اعمال حج، ذبح می‌کند؛ حیوانی که باید از

مال مباح تهیه شود؛ مالی که در به دست آوردن آن ملاحظه حقوق دیگران نیز شده باشد و از راه حلال و مشروع تحصیل شود.

قربانی جنبه دیگری نیز دارد و آن تهیه کردن دام (گوسفند، گاو یا شتر) مورد نیاز حجاج است. از این رو، زینده است که کشورهای اسلامی از لحاظ تأمین خوراک و دام مورد نیاز زائران بیت الله الحرام در بخش کشاورزی و دامپروری خود کفا باشند تا بتوانند این بخش از تقاضای حج را، که جنبه عبادی نیز دارد، از محصولات بخش دامپروری خود تهیه کنند تا با فعال شدن این بخش از اقتصاد، شغل و درآمد مناسب برای گروهی از مسلمانان ایجاد شود؛ نه اینکه دام مورد نیاز برای قربانی را از استرالیا و نیوزلند وارد کنند. از سوی دیگر مصرف قربانی نیز مورد توجه شارع مقدس بوده است؛ از این رو، فرموده است:

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾ (حج: ۲۸).

فقها فتوا داده‌اند: احتیاط مستحب این است که ذبیحه را سه قسمت کنند؛ یک قسمت را هدیه کنند؛ قسمتی را صدقه دهند؛ و قدری را هم خودشان بخورند (افتخاری، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۵۵۵).

حال که نزدیک به دو میلیون رأس دام در سرزمین منا قربانی می‌شود و قسمت عمده آن، بیش از نیاز حجاج است و مستحب است صدقه داده شود، باید با برنامه‌ریزی صحیح و مناسب و ایجاد سردخانه‌های مجهز، آنها را به فقرا و مساکین که در سراسر گیتی از سوء تغذیه رنج می‌برند، رساند و آنان را در برکات این اجتماع پرشور معنوی، شریک ساخت. این نگرش اقتصادی سبب می‌گردد که نه فقط در منا و ایام حج، بلکه در تمامی لحظات زندگی به یاد فقرا باشیم و آنها را نیز، در حد توان، از کسب و درآمد خود بهرمنند سازیم و با ملکه کردن این ویژگی در خود، مشمول آیه ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (معارج: ۲۴ - ۲۵)، شویم و با گسترش اهداف حج در تمامی مراحل زندگی، به سوی جامعه آرمانی خالی از فقر و تنگ‌دستی رهنمون شویم.

هزینه کردن در حج

یکی از آداب سفارش شده برای سفر، تهیه سوغات برای نزدیکان و دوستان است. صاحب وسائل ضمن روایت «... هَدِيَّةَ الْحَاجِّ مِنْ نَفَقَةِ الْحَاجِّ»، می نویسد: مستحب است که حج گزار در صورت امکان به دوستان خود هدیه دهد و ثواب هزینه کردن برای خرید هدیه را همانند ثواب هزینه کردن برای حج می شمارد (عاملی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۱، ص ۱۴۹)؛ ثوابی که بر اساس برخی روایات، از انفاق کردن طلا به اندازه کوه ابوقیس در راه خدا برتر است و هر دره‌می که حاجی انفاق می کند، معادل انفاق هزاران هزار درهم در راه خدا است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَوْ كَانَ لِأَحَدِكُمْ مِثْلَ أَبِي قُبَيْسٍ ذَهَبٌ يُنْفِقُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا عَدَلَ الْحَجَّ وَ لِدَرَاهِمٍ يُنْفِقُهُ الْحَاجُّ يَعْدِلُ أَلْفَ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۶، ص ۸).

از آن رو که حج سبب زدودن فقر و فزونی مال می شود و برای مخارج شخصی در این سفر پاداشی معادل انفاق در راه خدا در نظر گرفته شده، نقش حج در زندگی فردی انسان روشن تر می گردد. البته چگونگی هزینه کردن در حج نیز مورد توجه حضرات معصوم علیهم السلام بوده است که در ذیل به گوشه‌ای از این دسته بیانات ایشان اشاره می کنیم:

* «هیچ هزینه کردنی نزد خداوند محبوبتر از خرج کردن میانه و متعادل نیست و خداوند اسراف کردن را مبغوض می دارد، مگر در حج و عمره باشد.»^۱ (عاملی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۱، ص ۱۴۹).

* «امام صادق عليه السلام می فرماید: امام سجاد عليه السلام به خدمتکار خود می فرمود: «هنگامی که خواستی چیزی را از ما بخری، آن را بدون چانه زدن و درخواست قیمت کمتر، خریداری کن.»^۲ (همان، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۷، ص ۴۵۵).

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - مِنْ نَفَقَةِ قَصْدٍ وَيُبْغِضُ الْإِسْرَافَ إِلَّا فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ...».

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ لِقَهْرْمَانِهِ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَشْتَرِيَ لِي مِنْ حَوَائِجِ الْحَجِّ شَيْئًا فَاشْتَرِ وَلَا تُمَاكِسْ».

* «در چهار مورد از فروشنده قیمت کمتر درخواست نکن: در هنگام خرید قربانی... و کرایه برای به مکه رفتن.»^۱ (همان، ۱۳۷۲ش، ج ۱۷، ص ۴۵۶).

آنچه از این دست روایات آشکار می‌شود، با توجه به بیاناتی که حج مستمر را سبب توسعه و کثرت در مال می‌شمارد، این است که در حج، مصرف و هزینه کردن از قانونی ویژه و استثنایی پیروی می‌کند؛ اسراف و زیاده روی در هزینه‌های مربوط به آن، بی‌معنا می‌گردد. بهتر است حاجی هزینه‌های مربوط به اعمال حج، خوراک، مسکن و حمل و نقل را با گشاده‌دستی و به دور از تنگ‌نظری پردازد و حتی در هنگام خرید مایحتاج خود، چانه هم نزند و همان قیمتی را که فروشنده می‌گوید، پردازد؛ چرا که این هزینه‌ها در نگاه روایات ارزشی هزار برابر دارد؛ چنان‌که امیرالمؤمنین، علی علیه السلام فرمود:

«نفقة درهم في الحج تعدل ألف درهم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۸).

حج گزار باید در مورد هزینه‌های این سفر، نگاهی سخاوتمندانه و به دور از بخل داشته باشد که لازمه آن، با توجه به شرط استطاعت، داشتن کسب و کاری مطلوب و مستقر است تا بر اساس آن، فرد بتواند ضمن دارا بودن زندگی مناسب شأن خود، با پس‌انداز کافی برای انجام دادن مناسک حج، عازم سرزمین وحی شود. گفتنی است روایاتی نیز بر خلاف آنچه تاکنون گفتیم، وارد شده است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

* ابوحنیفه به امام صادق علیه السلام می‌گوید: «دیروز در عرفات سخت تعجب کردم. تو در هنگام خرید شتر قربانی سخت چانه می‌زدی». پس امام علیه السلام فرمودند: «خداوند خوش ندارد که من در مالم زیان بینم و متحمل ضرر شوم»^۲ (عاملی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۷، ص ۴۵۴).

* امام صادق علیه السلام فرمود: «هزینه‌های حج را کاهش بده تا حج برای تو دلپذیر گردد؛ و در مخارج زیاده‌روی نداشته باش که حج برای تو سخت و ملالت‌آور گردد»^۳ (همان، ۱۳۷۲ش، ج ۱۱، ص ۱۴۸).

۱. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى رَفَعَهُ... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَا تُمَاسِكْ فِي أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: فِي الْأُضْحِيَّةِ... وَفِي الْكِرَى إِلَى مَكَّةَ».
۲. «عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: وَقَدْ قَالَ لَهُ أَبُو حَنِيفَةَ: عَجِبَ النَّاسُ مِنْكَ أَمْسٍ وَ أَنْتَ بَعْرِفَةَ تُمَاسِكُ بِبَدْنِكَ أَشَدَّ مِمَّا كَسَّ قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَمَا لَكَ مِنَ الرَّضَا أَنْ أُعْجِبَ فِي مَالِي».
۳. «رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ لَهُ يَا فُلَانُ أَقَلِّلِ النَّفَقَةَ فِي الْحَجِّ تَنْشِطْ لِلْحَجِّ وَلَا تُكْثِرِ النَّفَقَةَ فِي الْحَجِّ فَتَمَلَّ الْحَجَّ».

از جمع این دو دسته روایات فهمیده می‌شود که هزینه مربوط به حج نباید به گونه‌ای باشد که سبب ملامت و سختی در انجام دادن این فریضه باشد، بلکه حج گزار در تمامی مراحل با احساس راحتی و آرامش و نشاط از به جا آوردن آن، کمال لذت را ببرد و با عقل و تدبیر، سفری مبارک را از حیث مادی و معنوی، برای خود رقم بزند.

بنابراین، باید هزینه‌های حج و عمره را به صورتی سازمان‌دهی کنیم که در کنار بهرمندی‌های معنوی، خاطره‌ای خوش از مناسک و اعمال حج در ذهن ما نقش بندد؛ نه اینکه حج به صورتی باشد که هزینه‌های سرسام آور آن، ما را از رفتن به این سفر، منصرف سازد و نه به صورتی باشد که سختی سفر و خساست در هزینه کردن و انتخاب نکردن خوراک و مسکن راحت و شایسته، ما را از سفرهای بعدی بازدارد. بلکه باید در خرج کردن به گونه‌ای رفتار کنیم که متحمل ضرر مالی فاحش نشویم.

چانه نزدن و درخواست قیمت کمتر نکردن، زمانی مطلوب است که مغبون نشویم و چیزی را چند برابر قیمت واقعی به ما نفروشند؛ بلکه با تسامح و به دور از خساست و تنگ‌نظری، نیازهای خود را برطرف سازیم و با تعمیم این روحیه در سطح جامعه، حالت اعتماد بین خریدار و فروشنده ایجاد شود و افراد، با برخورد برادرانه با یکدیگر در کنار روحیه تعاون و همکاری، از ثمرات آن استفاده کنند.

ایجاد بازار مشترک

لازمه باشکوه برگزار شدن کنگره عظیم حج، مشارکت سالم و پویای تمامی شرکت کنندگان و خدمات‌رسانی منظم و به موقع متولیان برگزاری آن است. باید کالاها و خدمات لازم برای برگزاری مناسک؛ مانند وسایل حمل و نقل، قربانی، اقامتگاه‌های مناسب و شایسته ضیوف‌الرحمان، خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های مورد نیاز حج گزاران و نیز خدمات امنیتی، رفاهی، درمانی و بهداشتی مناسب مهیا گردد که این امر مستلزم وجود بازارهایی متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی است که نشان‌دهنده روحیه تکافل و تعاون اجتماعی برادرانه دینی است. این بازارها می‌تواند در معرفی بهتر تولیدکنندگان و نزدیک شدن صنعتگران به یکدیگر و ایجاد شبکه‌ای بین‌المللی برای شناسایی مزیت‌های نسبی و مطلق

کشورهای اسلامی مؤثر باشد و با تعاملی سازنده و افزایش سرمایه اجتماعی، اقتصادی پویا و فعال در صحنه جهانی برای کشورهای اسلامی به ارمغان آورد.

در زمان جاهلیت، هنگام مراسم حج، هرگونه معامله، تجارت، بارکشی و مسافربری گناه شمرده می شد و حج افرادی که این کارها را انجام می دادند، باطل شمرده می شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۵۶). خداوند متعال این خط فکری را مردود اعلام کرد و فرمود:

* گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان [و از منافع اقتصادی در ایام حج] طلب کنید [و یکی از منافع حج، پی ریزی اقتصاد صحیح است] و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعرالحرام» یاد کنید. او را یاد کنید، همان طور که شما را هدایت کرد و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.»^۱ (بقره: ۱۹۸).

خداوند متعال در این آیه می فرماید: هیچ مانعی ندارد که در موسم حج از معامله و تجارت حلال، که بخشی از فضل خداوند بر بندگان است، بهره گیرید و از دست رنج خود استفاده کنید. این خود نشان دهنده نگرش جامع اسلام به زندگی است و از این رو، در کنار مناسک عبادی به زندگی مادی و معاش مردم نیز توجه خاص دارد و از کسب و کار به طلب فضل پروردگار تعبیر می کند.

حج دارای منافع و ویژگی هایی است که هیچ عبادتی نمی تواند جایگزین آن شود؛ چرا که خداوند متعال آن را مایه برپایی زندگی و کسب مردم قرار داده است: ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾؛ خداوند، کعبه و بیت الحرام را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داد. (مائده: ۹۷). امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده است:

«جعلها الله لدينهم ومعاشهم»؛ «خداوند کعبه را برای دین و دنیای شما قرار داد.» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۴۶).

از این رو، مرحوم فیض کاشانی ذیل این آیه اشاره می کند که به وسیله این خانه، امور دین و دنیای مسلمانان به سوی خیر و خوبی رهنمون می گردد؛ تجار و بازرگانان با اجتماع

۱. ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمُشْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ﴾.

خود از مکان‌های مختلف در این سرزمین مقدس سود به دست می‌آورند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۰). گویی مقصود این است که مردم مسلمان با نصب کعبه در میانشان، قیام می‌کنند و امر معیشت و احوال آنها بدین وسیله اصلاح می‌شود؛ زیرا در زیارت کعبه، تجارت آنها سامان می‌گیرد و از انواع خیر و برکت، برخوردار می‌شوند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۳۸۲) که این خود نشان‌دهنده توجه خاص به مبادلات بازرگانی بین مسلمانان است.

در روایتی، هنگامی که هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام علت وجوب حج را می‌پرسد، حضرت در پاسخ می‌فرماید:

«خداوند، انسان‌ها را آفرید... و آنان را به انجام مناسک فرمان داد که اطاعت دین و مصالح دنیای آنان را در بر دارد. در موسم حج، مسلمانان از مشرق و مغرب گرد هم جمع می‌شوند تا با یکدیگر آشنا شوند و برای اینکه هر ملتی از تجارت‌ها و فرآورده‌های اقتصادی ملت‌های دیگر استفاده کنند و به خاطر اینکه مسافران و حمل و نقل کنندگان در این سفر، با کرایه دادن وسیله‌های نقلیه خود بهره ببرند و از سویی با آثار و اخبار پیغمبر صلی الله علیه و آله آشنا شوند و این آثار همچنان زنده بماند و به دست فراموشی سپرده نشود، و اگر بنا بود هر ملتی فقط به جامعه خود و آنچه دارد تکیه کند، هلاک می‌گردید و شهرها ویران می‌شد و استفاده‌ها و منافع تجارتنی نابود می‌شد و خبرها از بین می‌رفت و به آنها دست نمی‌یافتند. پس این علت حج است.»^۱ (عاملی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۱، ص ۱۴).

از این بیان روشن می‌شود که یکی از منافع حج، تجارت و بازاری است که به تبع این اجتماع بزرگ در سرزمین وحی برپا می‌شود و در پرتو آن، افراد مختلفی سود می‌برند؛ چراکه این نوع بازارها سبب تکاپو و فعالیت بیشتر صنایع وابسته، و افزایش تولید و در نتیجه

۱. «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ - إِلَى أَنْ قَالَ - وَ أَمَرَهُمْ بِمَا يَكُونُ مِنَ الطَّاعَةِ فِي الدِّينِ وَ مَصْلَحَتِهِمْ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُمْ فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ لِيَتَعَارَفُوا وَ لِيَنْزِعَ كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ لِيَنْتَفِعَ بِذَلِكَ الْمَكَارِي وَ الْجَمَالَ وَ لِيَتَعَرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ تُعْرَفَ أَخْبَارُهُ وَ يُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى وَ لَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِنَّمَا يَتَكَلَّمُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَ مَا فِيهَا هَلَكُوا وَ خَرِبَتِ الْبِلَادُ وَ سَقَطَتِ الْجَلْبُ وَ الْأَرْبَاحُ وَ عَمِيَّتِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ تَقْفُوا عَلَى ذَلِكَ فَذَلِكَ عِلَّةُ الْحَجِّ».

سبب رونق اقتصادی کشورهای اسلامی می‌شود. اما متأسفانه در حال حاضر کشورهای غیراسلامی همانند چین، تایلند و... از این بازار پرسود، بهره می‌برند و در مقابل، سهم مسلمانان بسیار اندک است که این امر به فعال شدن بخش تولیدی کشورهای مسلمان و ایجاد تسهیلات مناسب برای حضور کالاهای تولیدی آنها در بازاری مشترک برای استفاده بهینه از منافع اقتصادی حج، در کنار بهرمندی از ثمرات معنوی آن، نیازمند است.

با توجه به تشریح عمره و حج برای مسلمانان، روشن می‌شود که آنچه مورد نظر است، ربح و سودی است که نصیب مسلمانان می‌شود و لازمه افزایش دادن آن، ایجاد بازاری برای تولیدات کشورهای اسلامی در کنار فعالیت‌های بازرگانی و تجاری برادرانه مسلمانان است و این امر، ایجاد یک بازار آزاد رقابتی سالم میان مسلمانان با روحیه برادری اسلامی را نوید می‌دهد که در این صورت، افراد برای استفاده بیشتر از این بازار به تلاش و تولید بهتر نیازمندند که آن هم در سایه معنویت برخاسته از حج، دست‌یافتنی است.

نتیجه‌گیری

حج، فرصتی استثنایی برای نزدیک شدن مسلمانان به یکدیگر و تقویت روحیه تعاون و همکاری در سایه عبودیت و بندگی است؛ آنجا که مسلمانان با هر نژاد و زبان و رنگی، ندای توحید سر می‌دهند و به دور یک خانه طواف می‌کنند. حج دعوتی برای تطبیق بندگی در جای جای زندگی و کنگره‌ای برای هم‌اندیشی دانشمندان و پژوهشگران مسلمان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

حج، برنامه‌ای است برای فراگیر شدن اقتصاد اسلامی در سطح افراد و دولت‌های اسلامی؛ چراکه باید با مال پاک و مباح، دور از ربا، احتکار، غش، تدلیس، غرر و حرام، لباس احرام برتن کرد و لبیک گفت.

در حج، وحدت و یک‌رنگی تجلی می‌یابد و زمینه‌های برادری دینی و بروز جامعه‌ای با مشخصه‌های الهی شکل می‌گیرد تا در پرتو آن، اقتصاد مطلوب و عدالت‌محور بروز یابد.

با توجه به بیانات معصومان علیهم السلام، رفع فقر و تنگ‌دستی، و افزایش رزق و گشایش مالی از آثار اقتصادی حج در زندگی فردی است. در سایه تفکر حج، فرد برای بهرمندی از این بشارت‌ها با مشغول شدن به فعالیت‌های اقتصادی سالم و شرعی، زندگی خود را توسعه می‌دهد و ضمن استقرار مالی، با پس‌انداز و جوه مازاد خود برای سفر حج مهیا می‌شود و تولیدکنندگان مسلمان نیز با بالا بردن کیفیت محصولات خود از بازار گسترده ایجادشده در حج بهرمنند می‌شوند.

از دید کلان، حج سبب بالا رفتن اشتغال، استفاده بهینه از ظرفیت‌های بالقوه کشورهای اسلامی، بروز رقابت سالم میان فعالان اقتصادی و هدایت سرمایه‌های مادی و معنوی به سوی تولید مبتنی بر هنجارها و باورهای انسانی و رشد و رفاه دنیوی و سعادت اخروی می‌شود و زمینه شکوفایی اقتصادی برخاسته از مکتب وحی را مهیا می‌سازد.

منابع

- قرآن کریم

۱. افتخاری، علی (۱۳۸۵ش)، آراء المراجع فی الحج، مشعر، تهران.
۲. ایروانی، جواد (۱۳۸۳ش)، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، شماره ۱۴، زمستان.
۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، تفسیر طبرسی، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۴. عاملی، شیخ حر (۱۳۷۲ش)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت.
۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، التفسیر، تهران، انتشارات علمیه.
۶. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات صدر.
۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۰ش)، تفسیر قمی، قم، دارالکتب.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، اصول کافی، محل نشر، ناشر، نوبت چاپ.
۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء.
۱۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۵ش)، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶ش)، التنمية الاقتصادية فی الكتاب و السنة،

قم، دارالحدیث.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. منتظری مقدم، مصطفی (تابستان ۱۳۸۷)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی از منظر اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید.
۱۴. میر معزی، سید حسین (۱۳۸۴)، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت.